

حفظ روحیه جهادی از مهم‌ترین وظایف مدیریت انتقالی سوریه است

انقلاب مبارک شام دروازه دگرگونی را به روی امت اسلامی گشود تا وارد فرایند تغییری شود که نهایتاً به دگرگونی اساسی و ریشه‌ای در سطح منطقه و جهان خواهد انجامید؛ دگرگونی‌ای که مرزهای ساختگی را که استعمار غربی کشیده و با تمام توان می‌کوشد آن‌ها را استوار نگه دارد و مسلمانان را در آن‌ها محدود کند و مانع اندیشه شکست‌نشان شود، درمی‌نوردد. در آخرین استراتژی‌های غرب و به‌ویژه آمریکا در مواجهه با گروه‌های اسلامی، قبول ماندن در همین مرزها هم غایت و نهایت کار آن‌هاست؛ امری که عملاً به معنای تلاش برای ضربه زدن به دو مفهوم مهم یعنی «امت» و «جهاد» است.

آمریکا اخیراً در پی تثبیت قواعد جدیدی است که متناسب با سقوط بشار در سوریه تدوین می‌شود، سقوطی که برخلاف اراده‌اش رخ داد. اگرچه آمریکا تلاش می‌کند از طریق رسانه‌ها و تحرکات سیاسی خود و متحدانش در منطقه وانمود کند که سقوط نظام بعثی با طراحی او بوده، اما در واقع این خود آمریکا بود که آن نظام را از سال‌ها پیش حمایت کرد، مانع سرنگونی‌اش شد، پوشش سیاسی و بین‌المللی برایش فراهم کرد و راه را برای ارتکاب وحشیانه‌ترین جنایات علیه مردم شام باز گذاشت. همچنین، آمریکا نخستین شخص از مقوله «کوَعَت» بود (و کوعت یک اصطلاح جدید بعد از نابودی نظام طاغوتی بشار بود) تا منافع و نفوذ خود را در شام تضمین کند و پس از آن کشورهای منطقه و فرمانطقه نیز از وی پیروی کردند. اکنون آمریکا با آویختن شمیر تحریم و فشار سیاسی بر رهبری انتقالی دمشق، گام‌هایی را برمی‌دارد تا آن را در ساختار نظام بین‌الملل بگنجانند و مجبور سازد راهی که برایش طراحی شده را بپذیرد. هرچند شرایط انقلابی در جامعه حامیان کار را برای دمشق دشوار کرده، اما رهبری انتقالی واقع‌بین سوریه نسبت به این فشارها واکنش‌های مثبتی نشان داده است.

اولویت‌بندی کنونی آمریکا در سوریه به آنچه وزیر خارجه‌اش مارکو روبریو چند روز پیش گفت، بازمی‌گردد: او هشدار داد که «سوریه تنها چند هفته با فروپاشی ممکن و جنگ داخلی فراگیر با ابعاد حماسی فاصله دارد» و همین نگرانی، آمریکا را وادار کرده تا رئیس‌جمهور خود را به لغو تحریم‌ها علیه سوریه و حمایت علنی از قدرت انتقالی در آنجا مجاب کند. لذا مهم‌ترین دغدغه آمریکا در سوریه اکنون نابودی روحیه جهادی است که در میان مردم آن ریشه دوانده است. از همین رو، مسئله اخراج مهاجران از سوریه در صدر اولویت‌های مقامات آمریکایی قرار گرفته تا با خالی کردن عرصه از این نفْس‌های شورانگیز و عزم‌های خالص فشار مداوم خود را بر مقامات دمشق برای اجرای این طرح، در ازای وعده حمایت سیاسی و اقتصادی، افزایش دهند.

این امر بسیار خطرناک است، زیرا چنین گامی ضربه‌ای جدی به مفهوم «امت واحد» و مفهوم «جهاد» وارد می‌کند که امت به آن عشق می‌ورزد، چراکه جهاد به امت قدرت و شهامت می‌دهد تا در برابر دشمنانش ایستادگی کند. اگر دمشق گمان کند با گردن نهادن به خواست آمریکا و پذیرش چنین شرایطی در امان خواهد بود، در عمل پشت خود را به دشمنانش باز می‌کند. کشورهایی که هنوز یاد استعمار به دلشان زنده است، می‌دانند این دوره موقتی است و پس از اجرای شروط مورد نظرشان، دمشق را رها کرده و در مقابل حامیان مردمی آن خواهند ایستاد و از این فرصت برای بهره‌برداری بعدی استفاده خواهند کرد. کافی است به سخنان رابرت فورد، سفیر پیشین آمریکا در سوریه، توجه کنیم؛ او چند سال پیش افشا کرد که احمد الشرع را در ادلب آموزش داده است و آن چنان جنجالی به‌پا شد که مقامات دمشق مجبور به تکذیب شدند. این ماجرا نشان می‌دهد تا چه اندازه غرب و ابزارهایش در رسیدن به منافع‌شان می‌توانند حيله‌گر و پست عمل کنند و بدون هیچ ابایی، از هر دروغی برای توجیه رفتارشان بهره بگیرند.

پیروی دمشق از آمریکا و تحقق منافعش با بهانه‌های فریبنده، در غیاب مواضع اصولی‌ای که آموزه‌های اسلامی ایجاب می‌کند، خطر بزرگی است. این روند، حاکمیت را از رهبری انتقالی سلب می‌کند و آن را به ابزاری موقت تبدیل می‌سازد تا خلأ پس از سقوط بشار را پر کند.

خطر اصلی اکنون متوجه «پرونده حمایت از مجاهدان» است؛ چه مهاجر باشند و چه انصار و یاران آن‌ها. رهبری انتقالی باید قاطعاً این پرونده را ببندد و هیچ امتیازی ندهد؛ زیرا میان مسلمانان هیچ تفاوتی نیست: «زمین از آن خداست و دین از آن خداست» و «هیچ فرق نمی‌کند عرب باشد یا عجمی، مگر به تقوا». خدای متعال پس از مسیر پُرپرکت انقلاب و جهاد، صدها هزار مجاهد را به امت هدیه کرده است که در دشوارترین شرایط توان جنگیدن دارند و قادر به نبردهای چریکی هستند. اگر این توان چریکی به‌درستی به کار گرفته شود، می‌تواند حتی با گروه‌های

اندک، یک دولت را ساقط کند؛ چه رسد به انبوه نیروهای آموزش دیده و مسلح، به ویژه اگر کشوری حامی آن‌ها باشد و آن‌ها را به سان پیشتازان سپاهش به کار گیرد. تجربه نشان داده است که ارتش‌های مجهز و مدرن هم در برابر جنگ‌های چریکی تاب نمی‌آورند؛ در جهانی که به شدت در پی شکل‌دهی ارتش‌ها بر اساس دیدگاهی ملی تنگ‌نظرانه است تا آن‌ها را بی‌اراده و بدون تصمیم‌کنند و به سادگی شکست‌پذیر و مطیع سازد؛ بنابراین، تنها راه تضمین دفاع از سرزمین و حتی توان بازپس‌گیری و گسترش آن، حفظ مجاهدان و تقسیم آن‌ها به گروهان‌های جنگ چریکی است تا از پوزه تله مرزهای ملی ساختگی استعمارگری درآیند.

امت اسلامی چشم‌انتظار روزی است که شام حرکت کند تا نقشی بدون جایگزین در یاری اسلام و مسلمانان و دفاع از مقدساتش ایفا کند. این امر قابل تحقق است اگر رهبری صادقی بر اساس آموزه‌های اسلامی ظهور کند و برای اسلام کار کند؛ چراکه امت اسلامی در سراسر جهان با تمام توان از آن حمایت خواهد کرد.

ضعف نظام سرمایه‌داری بین‌المللی و نزدیک شدن فروپاشی آن، با وجود غرور ظاهری‌اش و جو انقلابی در میان امت اسلامی، نویدبخش سقوط قریب‌الوقوع این نظام و ابزارهایش است؛ بنابراین، رهبری انتقالی در سوریه باید بداند که پیوستن به صف حاکمان مسلمانی که عملاً جایگزینی جز خیانت به امت و سرسپردگی به دشمن نمی‌شناسند سرنوشتی جز نابودی خود و خیانت به مردم انقلابی فداکار در پیش نخواهد داشت. امت‌های مسلمان از حاکمانشان به ستوه آمده‌اند و برای تحقق تغییر واقعی مورد انتظار، خواهان سرنوشتی آن‌ها هستند. هرکس این واقعیت را نبیند و در باتلاق فضای مصنوعی‌ای که حاکمان جنایتکار با لشکر سایبری خود ساخته‌اند غرق شود، خود را در چاه فریب انداخته است؛ زیرا امت دیگر طاقت خیانت حاکمان و همراهی آن‌ها با دشمنان اسلام و مسلمین را ندارد.

فرایند تغییر به‌اذن الله سبحانه و تعالی همچنان ادامه دارد و تنها زمان پایان آن، هنگامی است که امت اسلامی در هم بپیوندد، رها شود، دوباره اقتدار یابد و دولت خلافت را بر اساس سیره رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم برپا کند. این همان پروژه سیاسی واقعی مسلمانان است که نشانه‌های پدیدارش اکنون آشکار شده و زمان آن فرارسیده است. بر مجاهدان راستین امت واجب است یاری‌رسان این حرکت باشند و از همراهی با ظالمان خودداری کنند؛ چراکه وعده الله سبحانه و تعالی حق است و می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّهُمْ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» «الله سبحانه و تعالی به مؤمنان از میان شما که عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین هم‌می‌آورد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از ایشان بودند جانشین گرفت؛ و دینشان را که برایشان پسندیده است مستقر و توانا می‌سازد؛ و پس از ترسشان، جای آن را به امن و امانی دگرگون می‌کند تا مرا عبادت کنند و در عبادت هیچ چیزی را شریک من نسازند؛ و هر که پس از آن کافر شود، ایشان همان نافرمانانند».

برگرفته از شماره ۵۵۰ جریده رایه